هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققا آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال چهارم | شمارهٔ ۲۱ | چهارشنبه ۲۶ اسد ۱۳۸۴ | ۱۲ رجب المرجب ۱۴۲۶ - 17 August 2005

استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در گفت وگویی با مجاهد:

دولت و مؤسسات ناظر باید در انتخابات کاملاً بی طرف باشند



با آغاز مبارزات انتخاباتی احزاب و کاندیداها یک فرهنگ جدید سیاسی را تجربه می کنند، دراین دوران باید به ارزشهای دینی و فرهنگ ملی افغانستان توجه شود

کاندیداها و احزاب در دوران مبارزات انتخاباتی نباید به کارهای خلاف این ارزشها دست بزنند نباید به یکدیگر اتهام ببندند و یکدیگر را مورد طعن و جرح قرار بدهند

انتخابات باید با شفافیت برگزار شود تا مردم به کار های دولت و مؤسسات ناظر اعتماد بکنند

اشاره

با آغاز رسمی دورهٔ مبارزات انتخاباتی مجاهد صواب دید برخی از مسائل مربوط به آن را با جناب استاد درمیان بگذارد همان بود که دیروز موفق شدیم گفتگویی با ایشان انجام بدهیم که اینک متن آن تقدیم شما خوانندگان عزیز می گردد. ص۳

از سوی NDI
سمیناری جهت بررسی "اصول رفتار احزاب وکاندیداها در مبارزات انتخاباتی" برگزار شد

روز یکشنبه ۲۲ اسد سمیناری زیر نام "تضمین مبارزات انتخاباتی مصؤون و سالم، اصول رفتار احزاب سیاسی و کاندیداها" از سوی انستیتوت ملی دموکراسی (NDI) و مؤسسهٔ یوسید (USAID) در هتل ستاره برگزار شد.

دراین همایش شماری از رهبران و فعالان احزاب سیاسی وکاندیداهای مستقل ونهادهایی ازدولت وکمیسیون برگزاری انتخاباتشرکت ورزیده بودند.

شماری از رهبران و نمایندگان احزابی در هیئت رئیسه که به تکرار آن را پینل و پینلیست ها می گفتند قرارگرفتند. برخی از احزاب دیگر بر نحوهٔ گزینش هیئت رئیسه برگردانندگان همایش اعتراض کردند، شماری از اعتراض کنندگان احتجاجاً سمینار را ترک کردند و شماری با اعتراض به حضور خود دوام دادند. آقای صدیق چکری از جمعیت اسلامی افغانستان و آقای حکیم نورزی از حزب تحریک وحدت ملی.. بدین منظور سمینار را ترک کردند.

رئیس انستیتوت ملی دموکراسی آقای پیتردیمیتروف و رئیس کمیسیون برگزاری انتخابات آقای بسمل و وزیر عدلیه آقای سرور دانش سخنانی به عنوان افتتاحیهٔ همایش ایراد کردند.

آقای بسمل روند برگزاری انتخابات را شرح داد و بر شمارش آراء در مراکز رأی دهی تأکید کرد و دلائلی زیاد برای عدم شمارش آراء در محل های رأی دهی اقامت کرد که در سخنان دکتر مهدی و آقای محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان در بعد مورد تردید قرار گرفت.

آقای دانش گفت که تا هنوز هفتاد و شش حزب در وزارت عدلیه ثبت شده اند و بیست حزب دیگر قرار است ثبت شوند، یکی از عوامل تعداد فروان حزب عدم پختگی سیاسی است، این انتخابات برای کاستن از این تعداد فروان احزاب هم مهم است. احزابی که نتوانند نمایندگانی به پارلمان بفرستند حتماً در بارهٔ وجود شان دچار مشکل می شوند و تنها تعداد نمایندگان مهم

با حضور نمایندهٔ جمعیت در همایش بین المللی سالانهٔ سازمان بین المللی دانشجویان مسلمان در ترکیه

راه های همکاری فرهنگی میان جوانان مسلمان مورد بحث قرار گرفت

عبدالحفیظ همام



همایش بین المللی سالیانهٔ سازمان بین المللی اتحادیهٔ دانشجویان مسلمان، از جانب انجمن جوانان اناضول و حرکت ملی گروش ترکیه زیر عنوان "همکاری فرهنگی میان جوانان مسلمان" در هتل گرند یازجی، در شهر اولوداغ ترکیه به تاریخ ۱۵ اسد سال روان گشایش یافت و شش روز ادامه داشت. در این همایش نمایندگان نهضت های اسلامی، انجمن های جوانان و مؤسسات فرهنگی بیش از ۳۵ کشور جهان، از آسیا، آفریقا، اروپا و آسترالیا اشتراک ورزیده بودند. نگارنده نیز به عنوان نمایندهٔ جمعیت اسلامی افغانستان یکی از شرکت کنندگان این همایش بود.

موضوعات محوری در این همایش، تحلیل و بررسی اوضاع تربیتی جوانان مسلمان، و سایل ارتباط جمعی و چالش های موجود بر سر راه جوانان در عصر حاضر بود، که این موضوعات علاوه از مهمانان اشتراک کننده، توسط رهبران حزب سعادت همچون پروفیسر نجم الدین اربکان نخست وزیر پیشین ترکیه و زعیم حرکت ملی گروش، دکتر رجایی کتان رئیس حزب سعادت، دعوتگر معروف دکتر محمد مصطفی محمود طحان و عده یی از متخصصان و استادان دانشگاه ها توأم با تعلیقات و تبصره هایی از سوی شرکت کنندگان دنبال شد. ما به اختصار فرازهایی از سخنان عده یی از سخنران را در این جا تذکر می دهیم: ص۷

ما نه دست راستی هستیم و نه افراطی، اسلام دین وسط است و ما راه اعتدال را در پیش داشته ایم ص۳

له کوربه هیواد څخه د کډوالو راستنیدل باید په زوراو جبر تر سره نشي

دګاونډیو هیوادو ایران او پاکستان وروستیو پریکړو چي غواړي یو زیات شمیر افغاني کډوال له خپلي خاوري و شړي افغانان اندیښمن کړي دي، پاکستان غواړي د مارچ د میشاتي تر پاي پوري په باجوړ او کرمي اجنسی کي د افغاني کډوالو کمپونه وتړي او هم په اسلام آباد او راولپنډي کي میشت افغانان نورو افغاني پنډغالو ته واستوي او یا ني له هیواد نه وتلو ته اړ باسي.

ددغو افغاني کډوالو شمیره چي په پام کي دي پنډغالي ني وتړل شي نږدي دووسوو زرو کسانو ته رسیږي او په دي لړ کي د ایران دولت هم پتیلي ده چي سږ کال 500 زره تنه افغاني کډوالو خپل هیواد ته وشړي نو موږ وینو چي په تیرو نږدي څلور کالو کي چي څه کم څلور سوه زره افغاني کډوال خپل هیواد ته راستانه شویدي هغوي هم د کار او کور د

طالبان، یک مهندس لبنانی را در ولایت زابل ربودند

این مهندس لبنانی، برای یک مؤسسهٔ بین المللی ساختمان سازی کار می کرد که یکشنبه شب گذشته ۲۳ اسد از منطقه یی در نزدیکی قلات مرکز ولایت زابل ربوده شد.

لطیف الله حکیمی سخنگوی طالبان، مسؤولیت این آدم ربایی را به عهده گرفت.

این چندمین بار پس از فروپاشی رژیم طالبان در افغانستان است که شهروندان خارجی در این کشور، توسط ص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ صندوق پستی : ۲۲٦
شماره های تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

در مقدم ۲۸ اسد سالروز استقلال کشور

اوضاع عمومی افغانستان مقارن استرداد استقلال کشور

پوهندوی عبدالعلی کوهی

افغانستان در زمان حصول استقلال خود، دستخوش یک سری تغییرات و تحولات سیاسی بود. افغانستان در قرن نزده در روز گار امارت امیر شیر علی خان که قرن پیشرفت و توسعهٔ تکنولوژی در اروپا بود، از تحولات جهانی بی تأثیر نماند. یکی از پیشآهنگان نهضت تحول علامه سید جمال الدین افغانی است که بالای افکار شیر علی خان تأثیر داشته است.

او نقش مهمی نه تنها در جهت جنبش آزادی خواهی در افغانستان داشت؛ بلکه علمبردار و مدافع آزادی و صلح در شرق و دنیای اسلام نیز بود.

جریدهٔ شمس النهار نخستین بار در کشور به نشرات آغاز کرد و سرآغاز بسیاری از نهضت های روشنفکری در کشور شد. مقارن استرداد استقلال کشور، معارف جدید در افغانستان وجود داشت، در لیسهٔ حبیبیه و حربیه مضامین ساینس، ریاضی، دینیات، زبان خارجی وغیره تدریس می گردید. مطابع دولتی در کابل به فعالیت آغاز کرده بود. در عهد حکومت حبیب الله نخستین شمارهٔ اخبار سراج الأخبار به مدیریت مسؤولی مولوی عبدالرؤوف قندهاری از چاپ بر آمد وبعداً به اثر فشار دربار متوقف گردید؛ تا این که در سال ۱۹۲۲م مجدداً به مدیریت مسؤولی محمود طرزی به نشرات آغاز کرد که در جهت آگاهی و شعور سیاسی مردم نقش برازنده داشت.

در سال های اخیر حکومت حبیب الله خان نهضت دموکراسی در کشور در حال بروز و نطفه گذاری شد ودر حالی که مقدمات دموکراسی با پیدایش اقتصاد سرمایه داری در اروپا در حال شکل گرفتن بود اما در افغانستان برنامه های اصلاحی امیر شیرعلی خان و سید جمال الدین افغانی از بالا روی دست گرفته شد. در بین سال های ۱۹۰۱ – ۱۹۱۸ مجدداً اصلاحات در افغانستان عملی گردید، طوری که مدارس، جراید و کتابخانه های دولتی و شخصی به وجود آمد و فعالیت هایی در زمینهٔ ایجاد قانون اساسی و تحصیل استقلال شتاب بیشتر یافت.

در این برهه از زمان قشر روشنفکر در افغانستان در پایتخت بیشتر گرد سه محور می چرخید: یکی لیبرال های دربار که خواهان رفرم در داخل رژیم موجود بودند و از جریان اصلاحات در سایر نقاط دنیا آگاهی داشتند و به مسائل سیاسی و اجتماعی دلچسپی زیاد نشان می دادند.

دوم حزب سری ملی که مرکز عمدهٔ روشنفکران دموکرات را تشکیل می داد، و برنامهٔ آن را افزون بر رفرم، تبدیل رژیم مطلق العنان به نظام دموکرات شکل می داد. مرکز این فعالیت ها از سوی لیسهٔ حبیبیه رهبری و هدایت می گردید.

دستهٔ سوم روشنفکران منفردی بودند که خارج حلقهٔ دربار و خارج حلقهٔ لیسهٔ حبیبیه قرار داشتند. و سرانجام حلقهٔ لیسهٔ حبیبیه با عده یی از روشنفکران خارج مدرسه و عده یی از روشنفکران دربار، در تماس شده و به اتفاق هم به تشکیل یک حزب سری سیاسی به نام جمعیت سری ملی پرداختند. مرام و هدف این حزب تبدیل حکومت مطلق العنان به یک حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و

پاکستان و طالبان افغان

وحید مژده

مسألهٔ آموزش طلاب علوم دینی در آن سوی مرز های کشور، پدیدهٔ تازه یی نیست. وقتی به تاریخ می نگریم می بینیم که این مسأله حتی قبل از تأسیس کشوری به نام پاکستان وجود داشته و در همان مواقع نیز کم و بیش مشکل آفرین بوده است اما باوجود حساسیت این موضوع، رژیم های مختلف در افغانستان هیچ گاه به صورت جدی در جهت حل این معضل اقدامی نکرده اند.

ویرانگری های مغول

پس از حملهٔ چنگیز به خراسان که این خطه بیشترین صدمه ها را از آن مصیبت بزرگ تحمل کرد، سرزمینی که امروز افغانستانش می نامیم از نظر مادی و معنوی به سراشیب انحطاط افتاد. مدارس دینی و دارالعلوم ها به خاک یکسان شد و خطه یی که روزگاری خود مهد علم و دانش و خاستگاه دانشمندان و فقهای نامدار بود دیگر نتوانست به جبران مافات بپردازد.

ماوراء النهر هم سرنوشت مشابه به افغانستان داشت و لگد کوب سم سواران مغول شد. بخارا سرزمینی که نامش نیز با علم تمدن رابطه دارد ویران گردید. (بخار به معنی علم و بخارا به معنی بسیار علم است و چون علما وفضلا در آن بسیار بوده اند به این نام موسوم شد).

اما بخارا پس از این المیهٔ بزرگ دوباره قامت راست کرد و مدارس دینی مجدداً رونق گرفت. در گذشته ها، طلبه های علوم دینی بخصوص از شمال افغانستان راهی مدارس بخارا می شدند تا این که رژیم کمونیستی بر آسیای میانه مسلط شد واین سرزمین بخشی از اتحاد شوروی گردید و مدارس نیز تعطیل و متروک شد.

و اما مسلمانان هندوستان که روزگاری بر آن سرزمین پهناور حکومت می راندند، پس از تسلط انگلیس بر هند به دلیل این که در آن سرزمین در اقلیت بودند، برای حفظ هویت دینی خویش جد و جهد فراوان داشتند. پس از شکست قیام های مردم هند که از سال ۱۸۵۷ آغاز شد هندوستانی ها در مسیر جد و جهد آزادی به تأسیس کانگرس پرداختند اما در آغاز، این حرکت از طرف مسلمانان مورد استقبال قرار نگرفت. مسلمانان تصمیم گرفتند تا برای مبارزه سنگرمستقل داشته باشند. همان بود که مولوی محمد قاسم که خود از انقلابی های ضد استعمار انگلیس بود، به تأسیس مدرسهٔ دیوبند اقدام نمود.

مدرسهٔ دیوبند

هرچند این مدرسه در ظاهر فقط یک مدرسهٔ دینی بود اما مجاهدین بسیاری در این مدرسه آموزش دیدند. این مجاهدین خواهان آزادی هندوستان از تسلط انگلیس بودند. بناء از همان آغاز فارغان مدرسهٔ دیوبند به عنوان شخصیت های ضد منافع انگلیس شناسایی شدند و دولت استعماری هند برتانوی برای مقابله با آنها تلاش نمود تا افراد مورد نظر خود همین عناصر بعد ها در خدمت منافع استعمار انگلیس نیز قرار گرفتند اما علمای واقعی فارغ این مدرسه به علت جو وفضای خاص آن روزگار در هند و مذهب حنفی، در مسائل دینی بسیار باریک بین تر از علمای سایر بلاد اسلامی بودند.

عدهٔ زیادی از این دسته علما به افغانستان آمدند و به وظایف رسمی چون معلم، ترجمان و سایر امور لشکری و کشوری گماشته شدند و

> **بعضی از اقدامات امان الله خان نه تنها مخالفت دیوبند را برانگیخت بلکه نمایندگان لویه جرگهٔ پغمان سال ۱۳۰۸ نیز با آن مخالفت کردند از جمله منع تعدد زوجات، منع اجباری چادری برای زنان، تبدیل رخصتی از جمعه به پنجشنبه و از همه مهم تر سخنی که از وی در مورد قرآن و پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شد که قرآن یک کتاب رهنما و تاریخی است و حضرت پیغمبر خادم جامعه و عسکر است. این کار موجب قیام های مردم و تقویت موقف حبیب الله کلکانی گردید**

بعضی از آنان در انتقال اندیشه های آزادیخواهانه که به ظهور مشروطه خواهی انجامید نیز دارای نقش و اثر بودند.

دیوبند و شاه امان الله خان

مسلمانان هند برای آزادی کشور شان امید بسیار به افغانستان بسته بودند و بسیاری از آزادی خواهان هند در آن روزگار در افغانستان فعالیت داشتند. آنها به امیرامان الله خان به دیدهٔ یک مجاهد بزرگ راه اسلام می دیدند اما اقدامات امیر امان الله خان که بعد از بازگشت وی از اروپا به نام اصلاحات آغاز شد بیش از همه در دیوبند انعکاس منفی داشت و طالبان افغانستانی این مدرسه نسبت به امان الله خان بدبین شدند.

دولت برای مقابله با تبلیغات دیوبند در لویه جرگهٔ ۱۳۰۷ پغمان فیصله نمود که بعد از این طلبهٔ افغانی در دیوبند حق تحصیل نخواهند داشت و دولت امر کرد آنانی هم که در آن مدرسه تحصیل کرده اند حق اقامت آزاد را در هرجای افغانستان که خود بخواهند ندارند. آنها باید در مناطقی که دولت برای شان در نظر

نیز زندانی شدند از جمله مولوی محمد ابراهیم کاموی (پدر محمد موسی شفیق نخست وزیر پیشین افغانستان). حاجی عبدالرزاق اندری از رجال آغاز دولت امانیه به دلیل این که از درس خوانده های دیوبند بود از فعالیت های سیاسی و دولتی بازداشته شد.

بعضی از اقدامات امان الله خان نه تنها مخالفت دیوبند را برانگیخت بلکه نمایندگان لویه جرگهٔ پغمان سال ۱۳۰۸ نیز با آن مخالفت کردند از جمله منع تعدد زوجات، منع اجباری چادری برای زنان، تبدیل رخصتی از جمعه به پنجشنبه و از همه مهم تر سخنی که از وی در مورد قرآن و پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شد که قرآن یک کتاب رهنما و تاریخی است و حضرت پیغمبر خادم جامعه و لشکر است. این کار موجب قیام های مردم و تقویت موقف حبیب الله کلکانی گردید. در نتیجه امان الله خان مجبور شد تا از آن اقدامات دست بردارد اما دیر شده بود.

در مادهٔ پنجم فرمان امان الله خان پس از قیام های مردم در برابر وی که به تاریخ ۲۸ رجب سال ۱۳۴۷ هجری قمری صادر شده در مورد علمای دیوبند آمده است:

"نظریهٔ من در باب علمای دیوبند که ورود آنها را در افغانستان ممنوع قرار داده بودم به جهت آن بود که از خود مؤسسهٔ دیوبند ضرری ملحوظ نبود بلکه بعضی از تعلیم یافتگان مؤسسهٔ مذکور بنا بر نابلدی احوال این مملکت آلهٔ اغراض صاحب غرضان گردیده به نام تعلیم یافتهٔ دیوبند و نشر مذاهب و مسالک مختلفه مثل قادیانی ها در این مملکت نموده وحدت ملی و مذهبی افغانستان را اخلال می نمودند، لهذا جلوگیری از آن شده بود. چون این مساله هم موجب آزردگی و سوء تلقی گردید من منظور نمودم که من بعد علمای دیوبند با شهادتنامهٔ دارالعلوم مذکور به افغانستان مثل سایر علمای دیگر وارد شده بتوانند".

جمعیت العلمای اسلام پاکستان

جمعیت العلمای اسلام پاکستان به عنوان شاخه یی از مدرسهٔ دیوبند در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد. این مدرسه در آغاز مانند مدرسهٔ مادر، یک نهاد آموزشی صرفا دینی بود و گردانندگان آن کمتر به مسائل سیاسی علاقه می گرفتند اما تقریباً بیست سال بعد مولانا غلام غوث هزاروی از آن به عنوان یک حربهٔ سیاسی بهره گرفت و همین مسأله از عوامل ایجاد انشعاب در این جمعیت بود. این تحول از نظر زمانی مقارن با شکست عرب ها در جنگ ۱۹۶۷ علیه اسرائیل

دولت و مؤسسات ناظر باید در انتخابات...

□ قرار است چهار شنبه ۲۵ اسد رسماً دورهٔ مبارزات انتخاباتی آغاز شود، شما به طور عموم این انتخابات را چگونه می بینید، و برای کاندیداها و احزاب سیاسی و دولت چه توصیه هایی دارید؟

■ بسم الله الرحمن الرحیم

انتخابات پارلمانی پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری یک گام بسیار مهم دیگر است که در آستانهٔ بزگزاری آن قرار داریم، چیزی بسیار مهم این است که در دوران مبارزات انتخاباتی و برگزاری انتخابات نباید اجازه بدهیم که امنیت سبوتاژ شود، همه باید دست به دست هم بدهیم، کاندیداها احزاب و گروه های سیاسی و شخصیت های دلسوز به کشورتلاش ورزند که جلو هر نوع بدامنی گرفته شود. بی گمان دولت و نیروهای بین المللی سعی می کنند که در دوران انتخابات امنیت حاکم باشد و لی مردم هم باید در این زمینه تلاش کنند چون انتخاابات یک مسؤولیت تاریخی همگی است.

با آغاز مبارزات انتخاباتی احزاب و کاندیداها یک فرهنگ جدید سیاسی را تجربه می کنند، دراین دوران باید به ارزشهای دینی و فرهنگ ملی افغانستان توجه شود، کاری صورت بگیرد که همکاری و تعاون و وحدت و همدلی میان مردم تقویت شود و این ارزشهای در همه کار های فردی واجتماعی ما باید تبارز بکند و کاندیداها و احزاب در دوران مبارزات انتخاباتی نباید به کارهای خلاف این ارزشها دست بزنند نباید به یکدیگر اتهام ببندند و یکدیگر را مورد طعن و جرح قرار بدهند. باید ما سعی کنیم تا به مردم جهان بفهمانیم که ما دارای فرهنگ و اخلاقیات عالی هستیم و این را تعالیم دین و فرهنگ ملی ما ایجاب می کند. هر یک از کاندیداها باید برنامه ها و شایستگی ها و مستحق بودن خود را تبارز بدهد اما این مسائل به گونه یی ارائه شود که فضای برادری و صمیمیت در میان کاندیداها و مردم را مکدر نکند. این ها مسؤولیت های کاندیداها و احزاب و گروه هاست.

اما آن چه به مردم مربوط می شود این است که باید بدانند انتخابات یک امر گذرا و سرسری نیست بلکه یک مسؤولیت دینی و ملی است و این رأی دادن انجام دادن یک امر دینی است و آن سپردن امانت است خداوند می فرماید: **(إن الله یأمرکم أن تؤدوا الأمانات الی أهلها)** خداوند به شما امر می کند که امانتها را به اهلش به کسانی که شایستگی دارند بسپاند. مردم وقتی رأی می دهند باید ببینند که به چه کسانی رأی می دهند و امانت را به چه کسانی می سپارند، به کسی که رأی می دهند آیا او از لحاظ وابستگی اش به معتقدات و فرهنگ مردم و توانایی هایش در پارلمان صلاحیت و اهلیت این گزینش را دارد یا نه؟ آیا می تواند آرمانها و خواسته های مردم راتمثیل کندیا نه؟ لذا باید مردم در گزینش نمایندگان شایسته توجه کنند و اگر در جایی دیدند که چندین نفر دارای اهلیت و شایستگی هستند از میان آنان شایسته تر ها را انتخاب کنند، چون برای پنج سال صلاحیت های خود را در زمینه قانونگذاری و نظارت برحکومت و اصلاحات درنظام و همه مسائل ملی و بین المللی به این نمایندگان می سپارند.

اگر کسانی را به عنوان نماینده انتخاب کنند که از لحاظ دین و کفائت ، دانش و تجربه اهلیت نداشته باشند، با گزینش آنان جفا می کنند ودر پیشگاه وجدان خود و در پیشگاه تاریخ و پیشگاه خداوند مسؤول خواهند بود.

□ آنچه فرمودید به مسؤولیت های مردم و کاندیداها بیشتر اشارت دارد، در مورد مسؤولیت های دولت در انتخابات چه می فرمایید؟

■ دولت باید در انتخابات کاملاً بی طرف باشد ، دولت باید نشان بدهد که از هیچ کاندیدا و هیچ جناحی خاص را حمایت نمی کند و تنها ارادهٔ مردم را احترام می کند مؤسسات جامعهٔ جهانی و مؤسسات ناظر در انتخابات نیز باید بی طرفی خود را حفظ کنند.

تجربه سه چهار سالهٔ ما نشان می دهد که در برخی از این مؤسسات بین المللی افرادی عقده مند جای گرفتند و به خاطر انتقامگیری از احزاب و گروه ها و کسانی که به آنان موافق نبودند دست به توطئه زدند و حقایق را در گزارش ها وارونه جلوه دادند. این بسیار مهم است که مؤسسات بین المللی در کمال شفافیت و بی طرفی عمل کنند و به چنین عناصری اجازهٔ اعمال رأی و سلیقه ندهند.

در قانون برگزاری انتخابات یک سری نواقص وجود داشته است که اکنون دیگر وقت طرح کردن آن نیست، این نواقص باید از پیش رفع می گردید، ولی اکنون کوشش شود که انتخابات با شفافیت برگزار شود تا مردم به کار های دولت و مؤسسات ناظر اعتماد بکنند.

در پهلوی معضل هایی فراوان که در زمینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مانند بازسازی و فقر و بیماری و بیکاری و ده ها مشکلی دیگر داریم مشکل بسیار مهم ما مشکل عدم اعتماد در میان مردم است که باید در این انتخابات اعتماد و باور مردم تقویت شود و مردم به فعالیت های سیاسی و حرکت دموکراسی که به راه انداخته شده است و به نظام مطمئن گردند و باور کنند که ما به سوی شفافیت و قانونمندی گام بر می داریم و ارادهٔ مردم مورد احترام است و مردم هستند که سرنوشت شان را خود تعیین می کنند و هیچ گونه دست برد و تقلبی دراین جا صورت نمی گیرد. اینها همه مسائلی بسیار عمده است که باید مورد توجه جدی قرا رگیرد.

□ یکی از مواردی که در میان شماری دلهره و اضطراب ایجاد کرده است، مدت شمارش آراء است که از پانزده تا بیست روز را در بر خواهد گرفت، شما در این باره چه می گویید؟

■ چنان که من در پیش گفتم بسیار سعی شود که در عمل کرد دولت و مؤسسات بین المللی ناظر شکوک و شبهاتی به وجود نیاید، به تصور من برای شمارش آراء پانزده ویا بیست روز وقتی بسیار زیاد است. می شود در مدت بسیار کوتاهی این کار صورت بگیرد. نباید اجازه داده شود که انتخابات پارلمانی که یک تجربهٔ جدید در کشور ماست سؤال بر انگیز شود و شک و شبهه در مورد آن مطرح گردد و مردم نا مطمئن شوند. به تصور من باید شمارش آراء در کوتاه ترین مدت ممکن صورت بگیرد در کشورهایی بسیار بزرگ و پرجمعیت مانند هندوستان که شمار رأی دهندگان در آنها نیز بسیار زیاد است به این قدر مدت طولانی برای شمارش آراء نیاز نیست، ولی من نمی دانم که در افغانستان چرا این قدر وقت را در بر بگیرد در حالی که من در این ها مشکلاتی زیاد را هم نمی بینم، لذا من به مصلحت کشور و دولت و مردم می بینم که این کار در مدت بسیار کوتاه انجام بپذیرد.

محمد نسیم فقیری سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان:

ما نه دست راستی هستیم و نه افراطی، اسلام دین وسط است و ما راه اعتدال را در پیش داشته ایم

مردم افغانستان هرگز شکنجه گران معروف و ناقضان حقوق بشر امثال سروری و نجیب را نخواهند بخشید.



شام سه شنبه هجدهم اسد در برنامهٔ هفتگی "خوری ترخی" تلویزیون افغان، محمد نسیم فقیری سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان یکی از دو مهمانان برنامهٔ مذکور بود مهمان دیگر آقای عبدالکبیر رنجبر بود.

مهمانان برنامه به پرسش های میزبان و همچنین بینندگان تلویزیون مذکور در مورد برنامه ها و پیشینه های احزاب شان پاسخ می دادند.

اینک برخی از اظهار نظرها و پاسخ های فقیری در برنامهٔ "خوري ترخي" به نشر می رسد گفتنی است که بحث های برنامهٔ مذکور به اندازهٔ داغ و جالب بود که بر خلاف گذشته نیم ساعت اضافی نیز به آن وقت داده شد.

محمد نسیم فقیری در آغاز در مورد پیشنهٔ فعالیت و برنامه های جمعیت اسلامی افغانستان چنین براز نظر نمود:

بر خلاف تصور ویا تبلیغات دشمنان ، جمعیت اسلامی افغانستان محصول سال های جهاد نبود و پس از کودتای ثور و یا تجاوز امپریالیسم شوروی ، تشکیل نگردیده است بلکه سال ها قبل در دوران نظام سلطنتی و قبل از کودتای داوودخان در شهر کابل تأسیس گردیده بود، استاد ربانی توسط شورای جمعیت به حیث رهبرانتخاب گردیده بودند.

بنیانگذاران جمعیت یا در نظر داشت فراگیر بودن برنامه ها و فعالیت های این تشکیل اسلامی نام جمعیت را برگزیدند تا مانند حزب در یک شکل جنگ سیاسی خلاصه نشود و فارغ از قیودات سازمان باشد.

فقیری در مورد برنامه های جمعیت گفت که مرامنامهٔ جدید جمعیت حاوی برنامه های جمعیت در عرصه های مختلف می باشد که پس از تصویق کنگره یا مجمع عمومی به نشر خواهد رسید. اما این برنامه ها برای حکومت ویا خط مشی یک حکومت نیست زیرا در شرایط حاضر کشور ما دارای نظام ریاستی است و نه پارلمانی بنا بر این حکومت از داخل پارلمان تشکیل نمی گردد بلکه طبق قانون اساسی وزرا توسط رئیس جمهور تعیین می گرهند و تأیید ولسی جرگه شرط می باشد. از این رو سؤال به قدرت رسیدن یک حزب از طریق اکثریت پارلمان مطرح نیست تا در آستانه برگزاری انتخابات برنامه های خویش را برای حکومت نیز اعلام نماید.

فقیری همچنین در مورد سابقهٔ مبارزاتی جمعیت اسلامی و حضور نیرومند آن در صُفوف مردم و در مراکز تحصیلی فقط به ذکر دو مثال اکتفا نمود:

۱- تظاهرات و اجتماعات جمعیت اسلامی در سال های اخیر رژیم سلطنتی ، شامل هزاران و حتی ده ها هزار نفر می گردید که علاوه بر محصلین، متعلمین و طلاب مدارس دینی هزاران تن از قشر های مختلف مردم در آن شرکت می ورزیدند که اداره و کنترل آن بسیار مشکل بود و همچنین امکانات لازم مانند لودسپیکر کافی در اختیار نداشیتم. در حالی که تظاهرات گروه های دیگر فقط در محصلین و یا متعلمین خلاصه می شد.

۲- در انتخابات برای تشکیل اتحادیهٔ محصلین پوهنتون کابل در سال ۱۳۵۲ و قبل از کودتای داوودخان ، اکثریت قاطع نمایندگان متعلق به جمعیت اسلامی بود و این نشان می داد که یگانه مرکز کمونیست ها نیز در اختیار جمعیت قرار می گیرد، و کمونیست هایی که در میان مردم جای نداشتند از مراکز تحصیلی نیز بساط شان در حال برچیده شدن بود.

سخنگوی جمعیت در مورداین ادعای مهمان دیگر برنامه (عبداالکبیر رنجبر از اعضای حزب منحلهٔ وطن) که گویا ایدئولوژی و افکار همه جریان های راست و چپ وارداتی بود و از مرام تجرید شده بود چنین اظهار نظر نمود:

ما نه دست راستی هستیم ونه افراطی، اسلام دین وسط است و ما راه اعتدال را در پیش داشته ایم.

در این شکی نیست که مارکسیسم لیننیسم یک اندیشه وارداتی بود نه تنها برای مردم ما بیگانه بود بلکه با فکر و عقیدهٔ آنان در تضاد بود.

اما در مقابل ، عقیده، فکر و مرام ما ، همان عقیده، فکر و مردم ما بود ما از متن جامعه برخاسته بودیم و در جهت عقیده وخواست مردم مبارزه می کردیم.

فقیری در مورد سابقهٔ مبارزاتی جمعیت بر کتاب های "دههٔ قانون اساسی" از مرحوم کشککی ، "افغانستان در پنج قرن" از میر محمد صدیق فرهنگ، "اردو سیاست" از نبی عظمی و "ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق" از دستگیر پنجشیری و دیگران استناد نمود واضافه کرد که این واقعیت (سابقه جمعیت) به انداهٔ روشن و آفتابی است که همگان از آن اطلاع دارند زیرا از آن دوران مدت زیادی سپری نگردیده است و بطلان این ادعا ثابت می گردد که گویا جمعیت اسلامی درپاکستان ساخته شده است.

سخنگوی جمعیت این تبصرهٔ میزبان که گویا جمعیت از احزب اسلامی حکمتیار در سال ۵۴ انشعاب نموده را شدیداً رد نموده و توضیح داد که پس از قیام مسلحانه سال ۵۴ حکمتیار از جمعیت جدا گردید و تشکیل جدیدی را به نام حزب اسلامی در پیشاور ایجاد نمود در حالی که نام جمعیت و رهبر آن چند سال قبل در کابل انتخاب گردیده بود.

فقیری در مورد رابطه جمعیت با [illegible]

حوادث سال های اول دههٔ هفتاد به خوبی نشان داد که مجاهدین و به خصوص جمعیت اسلامی تا چه اندازه مستقل و آزادمنش بوده اند.

با تشکیل حکومت مجاهدین در سال ۱۳۷۱ بر خلاف توقع و انتظار ، حکومت پاکستان به جای کمک و تقویت حکومت مجاهدین به دشمنی با آن برخاست و در قدم اول حکمتیار و بعداً طالبان را علیه آن تحریک و کمک نمود. ما در حالی که از کمک های مردم وحکومات پاکستان در طی سال های جهاد سپاسگزار بودیم اما این بدان معنی نبود که مطابق میل پاکستان رفتار نماییم. مطالعه منصفانه و بیغرضانه اوضاع نشان می دهد که دولت مجاهدین به هیچ دولت خارجی وابسته نبود و مورد حمایت نیز قرار نگرفت. عمده ترین دلیل ایجاد مشکلات برای دولت مجاهدین و دشواری های آن این بود که ما بیش از اندازه مستقل و آزادی منش بودیم.

محمد نسیم فقیری در پاسخ به سوال یک بیننده که چرا دولت اسلام با دشمن دیرین مجاهدین یعنی دولت شوروی روابط داشت. چنین توضیح داد: اول این که در آن زمان در سال ۱۳۷۱ شوروی وجود نداشت و اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشیده بود و برج و با روی کمونیسم و مارکسیسم لننیسم فرو ریخته بود دوم این که ما دولت بودیم ونه یک حزب و اساس روابط خارجی ما را دوستی با همه کشور های جهان و به خصوص کشور های همسایه و نزدیک تشکیل می داد.

سخنگوی جمعیت در مورد این سؤال میزبان که چرا نجیب را محاکمه نکردید، چنین اظهار نظر نمود:

اول این که نجیب در دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد پناهنده بود و ما به حیث یک دولت مشروع و قانونی که همه اصول و پرنسیپ های پذیرفته شدهٔ بین المللی را احترام ورعایت می نمودیم ، نخواستیم که به دفتر ملل متحد که دارای مصونیت بود ، داخل شویم.

دوم این که مسألهٔ عفو عمومی مجاهدین مطرح بود و بعضی به این باور بودند که عفو عمومی شامل نجیب نیز خواهد شد. بهر صورت تصمیم این بود که پارلمان آیندهٔ افغانستان در مورد نجیب و امثال او باید فیصله کند. اما در مورد اسدالله سروری که شکنجه گر و معروف خاد و رئیس اگسا بود، قرار شده بود که [illegible]

چهرهٔ شاملو در هفده دفتر

۱

محمد اسحاق فایز

احمد شاملو از مطرح ترین شاعران روزگار ما در شعر فارسی است. شهرت او از مرز حوزهٔ زبان فارسی فراتر رفته و در میان جوامع فرهنگی مختلف شناخته شده است، او را از بزرگان و اندیشمندان جهان قلمداد کرده اند.

شاملو، شاعر بزرگی بود و شهرت او امروزه نیز در جهان از جهت شعرهایش است که در آن ها اندیشه ها یی بزرگ ره یافته و برای درک و دریافت این اندیشه ها ما نیاز به یک جستجوی دقیق داریم تا جان مایه های شاملو را از دفترچه های شعرش دریابیم.

این نیاز، گاه به حدی است که برای رسیدن به این مامول مجبوریم با روش های دانش هرمینوتیک متوصل شویم تا بتوانیم ماورای آنچه خود برداشت کرده ایم به صورت فوری در یک جستار عمیق به آرا و افکار او پی ببریم.

دریافت دقایق و رمز و رازهای شعر شاملو ضرورت به یک تحقیق کارشناسانه دارد و این چیزی است که در حال حاضر این مختصر گنجایش آن را ندارد و ناگزیر باید آن را به فرصت ها و مجال های دیگری گذاشت.

شاملو در همه دوره های زندگیش، از پر کار ترین شاعران معاصر ایران بود؛ او داستان نوشت، مقاله نگاشت، ترجمه کرد، به جمع آوری فرهنگ عوام همت گماشت و تا پایان عمر با شعر و نگارش شعر و کار سخت و دشوار فرهنگی زیست و در اوج شهرت بی مانند نیز در تهران دیده از جهان فروبست.

با ذکر آنچه گفته آمدیم، او شخصیت چند بعدی دارد و نمی توان حتی از هر زوایهٔ این ابعاد به ساده گی گذشت و در آن جا توقف و درنگ نکرد و آفریده های او را نخواند. آنچه در این کاوش می خوانید نگرش های شاملو را در هفده دفتر شعر او می نمایاند.

۱- نگرش های سیاسی

شاملو افزون بر شاعر بودن، دارای اندیشه های سیاسی خاص نیز بود. او در برابر ظلم، استبداد، ستم، اختناق و نا برابری های دیگر حاکم بر جامعهٔ ایران، تا زمان مرگ ایستاد و هیچ گاهی نیز، از مبارزه دست نکشید. شعرهایش گویای بارز این گفته است که او در برابر پدیده هایی که جامعهٔ آن روز ایران را فرا گرفته و به عنوان عوامل عینی استبداد، ستم، اختناق و هزاران نابرابری دیگر، مردم ایران را با موانع و مشکلات مواجه داشته بود، واکنش نشان داده و هیچ گاه نیز نهراسیده است.

اینک با رویکرد به کتاب های شعر شاملو، می توان صدها شاهد آورد که هر یک می تواند این ادعا را ثابت کند.

در شعری که او از شب، دریا و امواج سهمگینش قصه می کند، وضعیت آن روز ایران را می نمایاند. "خفتگان" را می نمایاند که همه خفته اند و بی خبر از آن که "شب" هیولا وار آن ها را به کام مرگ می کشد. بیزار از شب اما خطاب به مرغک دریایی می گوید:

خاموش باش، مرغ! دمی بگذار
امواج سرگردان شده بر آب،
کاین خفتگان مرده، مگر روزی
فریاد شان بر آورد از خواب

(مرغ دریا ـ دفتر آهن ها و احساس ها)

او منتظر است تا توفان، امواج سهمگین دریا را فراگیرد و "دریای توفانی" که خشم و خروش

در همین شب ها، خود را جدا از فرزانگان زمین نمی داند و باور دارد که چون او، فرزانگان دیگری برگرده شب ایستاده اند. برای خیزش ستاره های دیگر تا از بالا بر زمینیان شب زده چشمک بزند و بیداری را به آنها تلقین کند:

من آخرین بازمانده ی فرزانگان زمین ام!
من آن غول زیبایی ام که در استوای شب ایستاده است
غریق زلالی همه آب های جهان
و چشم انداز شیطنت اش
خاستگاه ستاره یی است.

(عقوبت ـ از دفتر شکفتن در مه)

شاملو حکایت گر کشتار، مردم آزاد بود که سرود گویان به مقتل فرستاده شدند! آنگاه مردگان عالی جاه در کاخ های ستمگران با چماق ها جلاد وار عمل می کردند. شاملو، این حکایت را چنین باز می گوید:

مردگان عالی جاه را دیده ام من
در کاخ های بلند
که قلاده های زرین به گردن داشته اند
و آزاده مردم را
در جامه های مرقع
که سرود گویان
پیاده به مقتل می رفته اند.

(همان شعر و همان دفترچه)

در این هنگام است که شاملو با ماهی یقین، بی باور بر سکون و آرامش و گریز، تپش های قلبش را بیدار باش قافله های شب زدگان می داند، وقتی حتی در آن سر شک سرخ گونش، خورشید، خورشید بی غروب نفس می کشد، او نوید دهنده است:

احساس می کنم
در هر رگ ام
به هر تپش قلب من
کنون
بیدار باش قافله یی می زند جرس.

(ماهی ـ دفتر باغ آیینه)

با آن که این شعر عاشقانه است ولی شاملو در آن تخم یقین کاریده است و فریادش این است:

" آه ای یقین گمشده بازت نمی نهم!"

شعر "بر سنگ فرش" بارز ترین شعر سیاسی احمد شاملو در دفتر "باغ آیینه" است؛ تصویر دنیای انسانی که یاران نا شناخته اش ریخته اند و شبان روزگارش بی ستاره مانده اند:

باران نا شناخته ام
چون اختران سوخته
چندان به خاک تیره فرو ریختند سرد
که گفتی
دیگر
زمین
همین
شبی بی ستاره ماند

(بر سنگفرش ـ باغ آیینه)

شاعر، از درون خویش جدا می شود، از خود جدا می شود، می رود به متن مردم و در آن میان از مصیبت رفته بر انسان دور و برش خبر می دهد. در این گیر و دار او با مشعلی در دست به معبر زندگی اندر می شود:

آن گاه
من
که بودم
جنگ زهم گسیختهٔ زه را
یک سو نهادم
خاموش بر گرفته به معبر در آمد
گشتم میان کوچه ی مردم
این بانگ بر لب ام شرر افشاند

شاعر، که شاهد مصیبت عظیمی درمیان مردمش هست، "چنگ زهم گسیخته زه" را به یک سو می نهد. این چنگ ز هم گسیخته زه، دنیای خیالات و خودی شاعر است که پسند نمی داند در چنین حال و هوایی درمیان الیاف لطیف آن لم بدهد و از همین روی است که این بانگ بر لبانش شرر افشان می گردد:

" ـ آهای!
از پشت شیشه ها به خیابان نظر کنید
خون را به سنگ فرش ببینید
این خون صبحگاه است گویی به سنگ فرش
کاین گونه می تپد دل خورشید
در قطره های آن..."

(همان شعر و همان دفتر)

فاجعهٔ استبداد وکشتار مردم را نمی توان شاعرانه تر از این گفت. شاعر سنگ فرش جاده را می نمایاند که بر آن خون ریخته شده است. این خون به گمان او خون صبحگاهی است که ریخته اند و دل خورشید که مظهر صبح و روشنی است در آن می تپد.

اما با این حال شاعر با امید وتپنده، زه زهم گسیخته اش را دوباره می بندد و پای دریچه می ایستد و باز می خواند:

چنگ زهمه گسیخته زه را
زه بستم
پای دریچه بنشسته
و زنغمه یی
که خواندم پر شور
جام لبان سرد شهیدان کوچه را
با نوشتی فتح شکستم

(همان شعر و همان دفتر)

یکی دیگر از شعرهای شاملو که در آن جلوه های عمیق سیاسی را به گونهٔ شاعرانهٔ آن می توان دریافت، شعر "مه" است. این شعر در دفتر "هوای تازه" شاملو آمده است.

در این شعر راه پر خطر بیابان به عنوان راه گذار انسان سرزمین شاملو آمده است. این بیابان خشک و بی آب که راه گذار انسان هموطن او است، حالا "مه" گرفته و غبار آلود است. ره یابی در چنین بیابانی تاریک و مه گرفته که رهگذر نتواند حتی چند قدم پیش رویش را ببیند دشوار است. این بیابان خسته و نقش بشکسته نیز است چندان که عابر به نفس خو اهد افتاد.

با این وضعیت تاریک و دشوار، قریه، خانه و ماوای شاعر نیز تاریک است، چراغ قریه خاموش است، لهذا امیدی نیز نیست که او بتواند از سو سوی چراغ ره یاب شود و به منزل مقصود برسد:

بیابان را سراسر مه گرفته است
چراغ قریه پنهان است
موج گرم در خون بیابان است
بیابان خسته
لب بسته
نقش بشکسته
در هذیان گرم مه، عرق می ریزدش آهسته از هر بند

(مه ـ دفتر هوای تازه)

شاملو با این شعر وضعیت آشفتهٔ سرزمینش را که در آن رهگذران بی راه و رهبر در بیابانی صعب و تاریک افتاده اند،

مناجات

برکت الله کمین

خدایه زړه د آئیني غوندي صفا را کړه
د خپل عشق په کښي انوار او تجلا را
چي مي رنځ دګناهونو ته علاج شي
د بخښني د رملتون څخه دوا را
چي هدف ته مستقیم شي لکه غشي
د کمان غوندي طاعت کښي کړه ملا را
اخرت کښي چي دي ځنګه وعده کړي
په دنیا کښي هم هماغسي دنیا را
چي کرم ستا د بنده ګي دعوه تر سره
توان په دي ناتوانی کښي توانا را
چه غرض پکښي موجود دریانه وي
هسي زهد هسي عمل هسي تقوا را
چه له دره له ګوهره قیمتي وي
په ویلو د حق تل ژبه ګویا را
که زه خورم د لیونتوب تیرې پرې خیر دي
چي ملت ته ئي غوارم ته هغه لیلا را
د کمین دغه آرزو ده زما ربه
اجابت ورته په خپل فضل وعطا را

مــــرغ دل

محمد صالح گردش

گر ترا چون مرغ دل پران شود
موج دریای تو هم طوفان شود
موج می آید پی هر موج من
در تحیر باز ها از اوج من
جوش بحر زنده گانی از دل است
از خروشش هر چه خواهی حاصل است
تا گشودم من پرِ پرواز عشق
رازها بکشوده شد از ساز عشق
همنشین کوکب و عنقا شدم
قطره یی بودم ولی دریا شدم
ای عزیزم در نبرد زندگی
دل قوی دار و گذر از بندگی
بندگی هر گز نمی آرد سرور
روشنی راکی تواند دید کور
در غلامی نیست شور زندگی
درگذرای مرد ره از بندگی
درشمار دوستان محسوب نیست
چاکر و بزدل به کس محبوب نیست
خیزوبا امواج این دریا ستیز
در گذر از خواب غفلت تیز خیز
سیر کن در وادی سینای دل
چشم حق بگشا گذر از آب وگل
عشق در بر گیر و باموجش خروش
قطره یی از آب این دریا بنوش
موجها در سینهٔ دریای تست
کاروانها در دل صحرای تست

آزادی در اسلام

سید ناصر تقدسی

انسان امروز فاقد هر چیزی است؛ حقوق، آزادی و کرامت وی ـ مخصوصاً از مسلمان ها ـ بازیچه یی در دست تجاوز گران قرار گرفته است وعلت آن این است که اندیشه ها و عقل های امت اسلامی از عقیدهٔ پویا و آگاهی بخش و آزادی آور و از اخلاق و ارزش های انسانی عاری شده است

بزرگ ترین حق انسان، در اسلام آزادی فکر و اندیشه است، و این که به راستی "نه" و به حق "آری" بگوید، و از همین رو است که حفظ کرامت انسان، آزادی اندیشه و رأی ، حرمت خون، مال وآبروی آدمی، در اسلام به مرز تقدس می رسد. می گویند که عبدالله فرزند عمر رضی الله عنهما روزی به سوی کعبه نگاه کرد و در خطاب به آن ، گفت: "چه قدر بزرگی و حرمت تو چه قدر بزرگ است و حرمت مؤمن بزرگ تر از حرمت توست". حرمت فرد مؤمن در حفظ آبرو، مال و خون او و در احترام به فکر و اندیشهٔ وی تمثیل می یابد، چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: "از بین رفتن دنیا در نزد پروردگار کم ارزش تر است نسبت به قتل یک مسلمان (۱) " و باز می فرماید: " هرگناهی را خدا خواهد بخشید مگر گناه کسی را که در حال شرک می میرد و یا مؤمنی راز از روی قصد به قتل می رساند". (۲)

حرمت و کرامت انسان

هر نفس دراسلام دارای حرمت است، و هر انسان به حکم انسان بودنش در شریعت اسلام از کرامت برخوردار است و حرمت انسان از حرمت کعبه بالا تر تلقی شده است، از عبدالله فرزند عمر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: "پیامبر را دیدم که کعبه را طواف می کرد و می گفت: چه قدر پاکیزه یی و چه قدر بویت پاکیزه است، چه قدر بزرگی و چه قدر حرمتت بزرگ است، وسوگند به ذاتی که جان محمد در ید قدرت اوست که حرمت مؤمن به نزد خدا از حرمت تو بالا تر است: مالش ، خونش و این که در حق او گمان نیک داشته باشیم". (۳)

رسو اکرم صلی الله علیه وسلم در روز حجه الوداع حرمت و کرامت انسان رامورد تأکید قرار داد و فرمود: "... محققا خون ها و مال های تان بر شما حرام است مانند حرمت این روز در این ماه و در این شهر ، تا وقتی که به دیدار پروگار تان روید ". (۴)

در حدیثی دیگر آمده است: "هر چیز یک مسلمان بر مسلمانی دیگر حرام است ... خون ، مال و آبروی وی".

بنا بر این اسلام پاسدار انسانیت انسان است و هر گونه دشمنی و خشونت علیه او را رد کرده و برای هر فرد ودر مجموع برای تمام امت، همه عناصر تأمین کنندهٔ عدالت و امنیت و ثبات را ضمانت کرده است، و از تمام عوامل شرارت و خشونت و بیداد و تجاوز علیه بشر دوری جسته است و از همین جاست که دشمنی و تجاوز در جامعهٔ اسلامی بر یک فرد نه تنها گناهی بزرگ و عملی نا بخشودنی است بلکه تجاوز بر همهٔ بشریت پنداشته می شود و گو این که شخص متجاوز همهٔ مردم را کشته باشد، چنان که کار برای تأمین ثبات و استقرار آرامش و جلوگیری از اذیت وآزار و قتل و نجات بخشیدن یک فرد از چنگ مرگ به پیمانه یی بزرگ و قابل قدر تلقی می گردد که گویا همهٔ انسان ها را از مرگ نجات داده باشی!

خداوند متعال می فرماید: "به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همهٔ انسان ها را کشته است، و هر کس انسانی را از مرگ نجات بخشد، چنان است که گویی همهٔ مردم را زنده کرده است..." (۵)

در روایات اسلامی گفته شده است که آدمی کاخ پروردگار است، هر که آن را ویران نماید ملعون است".

انسان عالی ترین نمونهٔ زندگی است، و ساختار و جودی او را مادهٔ اولی هستی تشکیل می دهد: "و ما انسان را از عصاره یی از گل آفریدیم". (۶)

و افراد این انسان – که گل سر سبد هستی است– اصلی یگانه دارند و هر یک به گونه یی مساوی به آن اصل نسبت پیدا می کند چنان که پیامبر می گوید: "شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک است". (۷)

خداوند انسان را در نیکوترین صورت آفرید و برایش کرامت و عزت بخشید و به مقصد رهنمایی اش پیامبرانی را فرستاد، خداوند می فرماید: "ما آدمی را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا حمل کردیم؛ و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم برتری بخشدیم". (۸)

این است جایگا انسان در اسلام و منزلت وی در میزان جهان بینی الهی.

آزادی فکر و اندیشه

یکی دیگر از حقوق انسان آزادی اندیشه و فکر است، آدم حق دارد فکر کند و باورهایش را بازگو کند و بنویسد و هر خلاف رفتاری، فساد و گژرویی را که می بیند افشا کند و جلو ظلم و تجاوز و بی عدالتی را به هر نحو ممکن مهار نماید، چنان که در حدیثی آمده است: "ترس از مردم شما را باعث نسازد که حق را نگویید". (۹)

و در حدیث دیگری آمده است: "حق را بگو هر چند تلخ باشد و در راه خدا از ملامت هیچ ملامتگری مترس" .(۱۰) حضرت عمر رضی الله عنه همواره می فرمود: خیری در شما نخواهد بود که اگر حق را نگویید و در ما نیز خیری نخواهد بود که آن را نشنویم.

در اسلام آزادی های گونه گون وجود دارد، و در همه عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی [illegible]

به شرطی که آزادی دیگران را سلب نکنند. آزادی هایی که در شریعت برای انسان ها منظور شده عبارت است از: آزادی شخص، حق ملکیت، آزادی مسکن، آزادی کار، تجارت، سفر، فن آوری، آزادی عقیده و اندیشه، آزادی همایش ها، آزادی تشکیل انجمن ها و اتحادیه ها، آزادی آموزش و پرورش، آزادی نشرات و آزادی مظاهره ها، اما آزادی در زمینه هایی دیگر تبلوری است از آزادی بیان و اندیشه و برنامهٔ جهان شناختی اسلام در مورد حدود و چارچوب آزادی رأی و بیان در یک واژه خلاصه می گردد و آن عبارت است از پای بندی به حق ، چنان که خداوند می فرماید: " به عصر سوگند، که انسان ها همه در زیانند؛ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر رابه شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند". (۱۱) توصیه و فراخواندن به خیر و مصالح علیای مردم، مهم ترین وظیفه یی است که کوتاهی در آن نابخشودنی است معنای واژهٔ "حق" درآیت بالا ، تمام عناصر حسن نیت را در بر می گیرد؛ به این مفهوم که ما وظیفه داریم حق را چه در قالب انتقاد سالم و چه درچارچوب دیگری به هدف خیرخواهی و اصلاح جامعه و افراد و نظام برای مردم بیان کنیم. طبرانی حدیثی را در اوسط روایت کرده که در آن آمده است: "سه چیز، رهایی بخش است: ترس خدا در آشکار و پنهان، میانه روی در فقر و غنا، و گفتن حق در وقت عضب و رضا، وسه چیز هلاک کننده است: بخلی که فرمان برده شود، خواهشاتی که پیروی کرده شود و شگفت کردن شخص برخود".

از حضرت ابوعبیده روایت است که گفت: "با رسول خدا بیعت کردیم بر این که در هر جایی که باشیم حق را بگوییم و در راه خدا از ملامت ملامت کننده یی نهراسیم."(۱۲) همچنان پیغمبر می فرماید: "کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، باید سخنی خیر بگوید و یا خاموش بماند."(۱۳) در این حدیث مرزهای آزادی اندیشهٔ سیاسی و ضوابط آن مشخص گردیده است و آن این که کلمهٔ "خیر" التزام و پابندی به حق است؛ حقی که مصالح عمومی مردم و کشور و دین را در پی داشته باشد، و این چیزی است که هدف اساسی نقد سیاسی و اجتماعی را شکل می

صیانت حرمت و کرامت انسان

اسلام یک سری معیارها و محک هایی را در جوامع، برپا داشته است که بر اساس آن حرمت و کرامت انسان ها در جوامع، حفظ گردد، و از حقوق شان صیانت به عمل آید، در اسلام هیچ کس حق ندارد، کسی را بر پایهٔ گمان مورد مؤاخذه قرار دهد و یا بر اساس شک و تردید کسی را به محاکمه بکشاند، ظن و تردید نمی تواند باعث دردسر و کندکاوی افراد قرار گیرد، رسول خدا صلی الله علیه وسلم می گوید: "زمانی که بر کسی گمان کردی دیگر درباره اش به تحقیق و جستجو مپرداز".(۱۴) معنای این حدیث این است که مردم در اصل برئ الذمه هستند حقوق، آزادی و اعتبار شان مصون است و تا وقتی که به وضاحت مرتکب جریمه یی نشده اند، گمان محض برای تعقیب و سلب آزادی آنان بسنده نیست.

واقعاً راهکارهای عملی یی که برای صیانت کرامت و حقوق واعتبار و آزادی های مردم در قرآن وشریعت الهی مد نظر قرار گرفته در هیچ یکی از کشورهای داعی حقوق بشر و نظام های آزادی خواه و دموکرات رعایت نگردیده است؛ توجه کنید که قرآن در این زمینه چه می فرماید: "ای مؤمنان از بسیاری از گمان ها اجتناب کنید، هر آیینه برخی گمان ها گناه است و تجسس نفرمایید."(۱۵)

تحریم تجسس

اسلام تجسس، عیب جویی و افشای اسرار مردم را حرام قرار داده و بر ضد آن اعلام مبارزه کرده است؛ چه این عمل، از لحاظ اخلاقی، عملی است ناروا و پست و اسلام با مبارزه علیه آن می خواهد دل های مسلمانان را از لوث همچو رذیلت ها پاک گرداند و انسان ها را به قله های فضیلت و اخلاق نیکو هدایت کند و امت اسلامی را از بیهودگی ها و جرایم مصون دارد و به این ترتیب به یکی از مبادی اساسی اسلام در نظام اجتماعی و اجرایی که حفظ عیوب و اسرار برای پاسداری از کرامت و شرف انسان است دست یابد.

مردم همه دارای آزادی و کرامت و احترام اند و به هیچ صورتی جایز نیست که آزادی و کرامت شان هتک گردد.

در جامعهٔ مورد نظر اسلام مردم باید زندگی آرام و مطمئن داشته باشند، از ناحیهٔ جان، مال، ملکیت و خانهٔ خود تشویشی به دل راه ندهند، اسرار شان پوشیده باشد و هیچ توجیهی برای هتک حرمت و کرامت و غارت دارایی و افشای اسرار شان اسلامی، جایی برای تجسس و تعقیب افراد وجود ندارد، افراد بایستی بر اساس کارکردهای ظاهری شان مؤاخذه شوند و هیچ کس حق ندارد از رازهای درونی آنان جستجو کند، در روایتی آمده است: "ای گروهی که به زبان ایمان آروده است و قلب آن ایمان ندارد، در صدد کشف عورات مسلمان ها نباشید؛ چه، کسی که عورات مسلمان ها را جستجو و افشا می کند خدا عورت او را برملا می سازد و خدا عورت کسی را که برملا سازد رسوا می شود، هرچند درمیان خانه اش نشسته باشد."

بدون تردید آزاد شدن از ترس و آزاد کردن قلب از قید وبند غیر خدا، تنها عاملی است که دریچهٔ یک زندگی با عزت و با کرامت را به روی ملت ها می گشاید، لذا برای تحقق این آرزو لازم است که به حقوق انسان ـ به هر گونه یی که هست ـ احترام کرده شود و به برابری همه شهروندان در پیشگاه قانون تأکید گردد؛ زیرا که نقض حقوق انسان و هتک کرامت وی یگانه علتی است که جهان اسلام را امروز دچار درد و رنج کرده است و کشورهای ما را گرفتار استعمار و استثمار نموده است. ما باید بپذیریم که انسان مظلوم و محروم و برده به آزادی وطن خود علاقه نمی گیرد و در برابر دشمن نمی ایستد و توانایی بازسازی را هم نخواهد داشت چه او برده است و احساس آرامش و امنیت و سر افرازی را از کف داده است.

چه خوب گفته اند که هر نظام سیاسی یا اقتصادی، ملی و جهانی که تطبیق حقوق انسان در صدر برنامه های کاری اش قرار ندارد، نظامی است فاسد و سرنوشت آن جز فروپاشی چیزی دیگر بوده نمی تواند.

این است برخ گوشه هایی از صفحات درخشان اسلام در مورد گرامی داشت انسان و حفظ حقوق و حرمت اندیشهٔ وی. اما موقف انسان امروز به ویژه مسلمان ها، در این زمینه چیست؟ و چرا میان آنان و آموزه های دین در خصوص حقوق انسان فاصله وجود دارد؟ ، همین چراهاست که امروزه ملت های مسلمان را به خاری کشانده است.

انسان امروز فاقد هر چیزی است؛ حقوق، آزادی و کرامت وی ـ مخصوصاً از مسلمان ها ـ بازیچه یی در دست تجاوز گران قرار گرفته است وعلت آن این است که اندیشه ها و عقل های امت اسلامی از عقیدهٔ پویا و آگاهی بخش و آزادی آور و از اخلاق و ارزش های انسانی عاری شده است و چنین امر، برای امروز و آیندهٔ این امت بسیار خطرناک خواهد بود.

پی نوشت ها:

۱. مسلم
۲. ابو داوود
۳. ابن ماجه
۴. بخاری و احمد
۵. سورهٔ مائده ۳۲
۶. سورهٔ مؤمنون ۱۲
۷. مسلم
۸. سورهٔ اسراء ۷۰
۹. ابن ماجه
۱۰. طبرانی
۱۱. سورهٔ عصر
۱۲. مسلم
۱۳. بخاری
۱۴. [illegible]

ما نه دست راستی هستیم و نه ...

مردم افغانستان هر گز شکنجه گران معروف و ناقضان حقوق بشر امثال سروری و نجیب را نخواهند بخشید.

فقیری این ادعا های مهمان دیگر برنامه را که گویا:

- در دوران رژیم کمونیستی رشوت و فساد اداری وجود نداشت.

- رژیم کمونیستی نبود و هیچ سندی وجود ندارد که کسی خود را کمونیست یا مارکسیست گفته باشد.

چنین رد نمود که:

- کافی است تا کتاب "کرباس پوش های برهنه پا" نوشتهٔ حسن شرق را بخوانید که صدراعظم همان رژیم بود تا از ابعاد این فساد آگاه شوید!

- عجیب است که امروز همه بقایای حزب دموکراتیک خلق از کمونیست بودن و مارکسیست بودن انکار می نمایند، در حالی که در آرشیف های رادیو تلویزیون و مطبوعات اسناد کافی و انکار ناپذیر وجود دارد و از جمله:

- حفیظ الله امین در پاسخ خبرنگاری گفته بود که آرزو دارم اعمار جامعهٔ سوسیالیستی را در افغانستان شاهد باشیم.

- ببرک کارمل خطاب به رفقای حزبی خود گفته بود که حزب ما معتقد با مارکسیسم لیننیسم است و هرگاه کسی به آن اعتقاد نداشته باشد، هیچ اجباری نیست و می تواند حزب را ترک بگوید.

سخنگوی جمعیت در مورد این ادعا که گویادولت مجاهدین نیز بر اساس انتخابات به میان نیامده بود چنین اظهار نظرنمود:

ضرور نیست که یک دولت مشروع و قانونی حتماً در پی انتخابات به میان بیاید، دولت هایی که در پی انقلاب و قیام سراسری مردم به میان می آیند، دولت های مشروع و قانونی اند، جهاد در افغانستان یک حرکت عمومی و سرتاسری بود و بر اساس معاهده پیشاور نه تنها همه تشکل های جهادی به شمول حکمتیار (که نمایندهٔ او درپای معاهده امضا کرده بود) و رهبران روی تشکیل دولت اسلامی به توافق رسیده بودند، بلکه سران فراکسیون های مختلف خلق و پرچم و اراکین رژیم در حال سقوط نیز به آن تن در داده بودند و حین ورود مجاهدین به کابل حتی یک فیر هم به طرفداری از رژیم سابق صورت نگرفت.

مهمان دیگر برنامه (رنجبر) ادعا نمود که به قدرت رسیدن مجاهدین در پی یک توطئه و کودتا علیه نجیب و پلان ملل متحد و حکومت مشترک با دو نفر از غرب صورت گرفت.

فقیری در این مورد گفت که اگر کودتا بود یا توطئه هر چه بود کار خود شما بود و ما در تکوین آن نقشی نداشتیم ولی آنچه مهم است این است که به صورت گروهی و حتی فردی کسی (از رژیم سابق) با رویکار آمدن حکومت مجاهدین مخالفتی نکرده است و یا توان آن را نداشته است.

رنجبر همچنان ادعا نمود که رژیم کاملاً مستحکم بود و مجاهدین توان گرفتن یک پوسته آن را نداشتند و یک اردوی منظم داشتیم که از زمان شاهی به همان صورت حفظ شده بود و فقیری اظهارات او را چنین رد نمود که :

۱- اصلاً دولتی وجود نداشت و وزرا در برابر یکدیگر قرار گرفته بودند به خصوص وزرای دفاع و داخله در برابر رئیس جمهور.

جهاد در افغانستان یک حرکت عمومی و سرتاسری بود و بر اساس معاهده پیشاور نه تنها همه تشکل های جهادی به شمول حکمتیار (که نمایندهٔ او درپای معاهده امضا کرده بود) و رهبران روی تشکیل دولت اسلامی به توافق رسیده بودند، بلکه سران فراکسیون های مختلف خلق و پرچم و اراکین رژیم در حال سقوط نیز به آن تن در داده بودند و حین ورود مجاهدین به کابل حتی یک فیر هم به طرفداری از رژیم سابق صورت نگرفت

۲- اردو از هم پاشیده شده بود و نظام ملیشه یی حاکم گردیده بود و به قطعات و غند های قومی تجزیه گردیده بود که در بدل به دست آوردن پول های گزاف می جنگیدند و نبی عظیمی در کتاب خویش به آن اشاره کرده و گفته است که نجیب روزی به او گفته بود که می دانی این پول هایی را که به قعطات شما میدهیم از کجا ست؟ از همان پول هایی است که طیارات روسی می آورند...

بنا بر این وزرا از یک طرف و فرماندهان قطعات و فرقه ها به جان هم افتاده بودند و ولایات از مرکز اطاعت نداشت.

۳- حزب نیز به فراکسیون ها تقسیم شده بود و نه خلقی و پرچمی بلکه ده ها فراکسیون در خلق و ده ها در پرچم که کتاب های خود شان (عظیمی، پنجشیری، کشتمند و دیگران " آنرا بیشتر افشا کرده است.

اما این ادعا که گویا اردوی رژیم کمونیستی همان اردوی شاهی بود کاملاً نا درست و خلاف واقعیت است زیرا جنرالان و افسران آن اردو در زمان حاکمیت کمونیست ها تهدید ، زندانی و یا مهاجر گردیدند و خورد ضابطان کمونیست به مناصب بلند اردو گماریده شدند.

فقیری در پاسخ به سؤال یک بیننده در مورد این که شما ادعای دموکرات بودن را دارید ولی طی چندین سال گذشته رهبر تعیین نکرده اید، چنین توضیح داد که : اول این که ما هرگز نگفته ایم که دموکرات هستیم زیرا آنها که ادعا دارند دموکرات هستند و تقریباً سی حزب به اصطلاح ملی و دموکرات که اکثر ایشان از بقایای همان حزب دموکراتیک خلق هستند. ما از دموکراسی نیز توصیف خود را داریم ولی در مورد تعیین رهبر باید بگویم که عن قریب مجمع عمومی یا کنگرهٔ جمعیت تشکیل می گردد و ازجمله رهبر نیز انتخاب خواهد شد که احتمال دارد رهبر فعلی جناب استاد ربانی ویا فرد دیگر انتخاب گردد.

فقیری در مورد این ناراحتی مهمان دیگر که چرا نجیب را داکتر نجیب الله نمی گوید گفت که خود کمونیست ها از بکار بردن کلمات "الله" ، "محمد"، "دین" و امثال آن احتراز داشتند و نجیب نیز در سال های اول به نام رفیق نجیب یاد می شد و فقط در سال های آخر آنرا نجیب الله می گفتند.

یکی از بینندگان تلویزیون خطاب به فقیری سوال دست آورد مجاهدین را مطرح ساخت که به آن چنین پاسخ داده شد:

مجاهدین کشور اسیر و فروخته شده را از حلقوم امپریالیسم سرخ شوروی بیرون کشیدند و به آن استقلال آزادی و عزبت بخشیدند و چه دست آورد بزرگی می تواند بیشتر از این وجود داشته باشد.

پاکستان و ...

طلبه های افغانستانی که پیشترها غرض تحصیل به هندوستان می رفتند با تقسیم نیم قارهٔ هند، راهی پاکستان می شدند و در مدارس جمعیت العلمای اسلام به تحصیل می پرداختند. دولت افغانستان هرگز در صدد برنیامد تا با تأسیس مدارس مشابه در داخل افغانستان جوابگوی این نیاز مردم باشد.

رژیم های مختلف در افغانستان عملاً دین را از سیاست جدا کرده بودند اما نه به شکلی که در کشور های دیگر معمول است. در بعضی از کشور ها جدایی دین از سیاست به این معنی است که نهاد های مذهبی در امور دولت دخالت ندارند اما دولت نیز در امور آنان مداخله نمی کند و به آنها اجازه داده است تا با جلب کمک های مردمان خیر، به تأسیس مساجد، دارالحفاظ ها، مدارس و مؤسسات خیریه بپردازند و حتی دولت در مواردی به آنها کمک می کند اما در افغانستان هیچ گاه چنین نبوده است.

رژیم های حاکم بر این کشور هرگز نمی خواستند تا نهاد های آموزشی مذهبی مستقل از کنترل مستقیم دولت به تربیت طالبان بپردازند. فقط تعداد اندکی از طالبان در تحت شرایط بسیار دشوار در مساجد داخل به آموزش خصوصی می پرداختند اما در مدارس پاکستان امکان تحصیل به شکل بهتر مساعد بود.

در دوران جهاد، تحصیل علوم دینی بیش از هر زمان دیگر مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۹۷۱ تعداد مدارس دینی رسمی در پاکستان به دوصد مدرسه بالغ می شد اما در سال ۱۹۷۸ که کودتای کمونیستی در افغانستان به وقوع پیوست تعداد مدارس دینی رسمی به دوهزار مدرسه رسید و چندین برابر این تعداد نیز مدارس غیر رسمی در سراسر پاکستان فعال بود.

کمک های کشور های اسلامی به این مدارس از یک طرف و علاقمندی به آموزش علوم دینی از جانب دیگر موجب شد تا در دوران جهاد تنظیم های جهادی نیز به تأسیس مدارس دینی بپردازند وهریک تشکلی را به نام تنظیم طلبهٔ دینی به وجود آورند.

پس از سرنگونی رژیم نجیب که کمک به مهاجران کاهش یافت، تعداد زیادی از این مدارس نظر به مشکلات اقتصادی مسدود شد و طالبان این مدارس برای تکمیل تحصیل به مدارس جمیعت العلمای پاکستان رفتند. به این ترتیب طلاب افغانستانی در بعضی از این مدارس از نظر کثرت تعداد بر طلاب پاکستانی پیشی گرفتند.

حرکت طالبان از همین مدارس آغاز شد و اکنون نیز همین مدارس، بزرگ ترین منبع سربازگیری برای جنگ در افغانستان به شمار می آید.

آیندهٔ طالبان این مدارس

دولت پاکستان تصمیم دارد تا طالبان افغانستانی را از مدارس پاکستان اخراج نماید و دولت نیز وعده سپرده است تا در داخل افغانستان به ساختن مدارس دینی برای آنان اقدام نماید اما مسألهٔ مهم این است که آیا می توان این کار را از طریق یک نهاد دولتی بنیاد نهاد در حالی که ما شاهد وضع اسفبار تعلیم در کشور هستیم؟

باید متوجه باشیم که این مسأله به سادگی مثل انتقال دانشگاه افغان به داخل کشور نیست.

مدارس مذهبی در پاکستان بیش از نیم قرن سابقهٔ کار و تجربه دارد. مدرسان ورزیده یی که در مدارس پاکستان وجود دارد در افغانستان موجود نیست. مدرسان مدارس پاکستان از نظر فکری وابسته به تنظیمی هستند که مدرسه مربوط آن است و وابستگی به دولت ندارند. از همین جاست که در این مدارس طالبان گذشته از آموزش علمی، از نظر سیاسی نیز تحت تأثیر قرار می گیرند.

از طرف دیگر کسانی که فرزندان خود را به این مدارس می فرستند به این باور ند که آنان عالم دین تربیت می شوند در حالی که مردم مناطق دورافتاده و روستایی افغانستان حتی به مدارس دینی دولتی نیز نظر مساعد نداشته اند. فراموش نکنیم که در گذشته بخش بزرگی از بنیان گذاران حرکت کمونیستی در افغانستان فارغ مؤسسات تحصیلی شرعی دولتی از جمله دانشکدهٔ شرعیات کابل بودند.

پس می توان گفت که این رابطهٔ طولانی میان مدارس پاکستان و طالبان افغانستانی با اعلان دولت پاکستان مبنی بر اخراج طالبان از این مدارس از میان نخواهد رفت و اگر دولت پاکستان، طالبان افغانستانی را از مدارس رسمی بیرون کند، در سراسر پاکستان هزاران مدرسهٔ غیر رسمی برای جذب آنان وجود دارد و این مشکل همچنان پابرجا خواهد ماند بدون این که کسی بتواند جمعیت العلمای اسلام را در این رابطه مقصر قلمداد نماید.

رویکرد ها

فرهنگ برهان قاطع

آتش در افغانستان- ریه تالیا استیوارت- ترجمهٔ یارمحمد کهسار کابلی - ناشر مرکز نشراتی میوند

افغانستان در مسیر تاریخ- جلد اول- میر غلام محمد غبار

اسناد تاریخی افغانستان به کوشش شهرت ننگیال

له کوربه هیواد څخه د کډوالو راستنیدل ...

بهیر هم ورسره یو ځای شي نو په هغه صورت کي به هم د دولت او هم د کډوالو د کورنیو لپاره ستري ستونزي پیدا شي.

هیله داده چي زموږ دغه دواړه اسلامي هیوادونه په دغه حساس او له تکلیف نه په ډک وخت کي زموږ کډوال په زور او جبر سره له خپلو هیوادو څخه را ونباسي. موږ وینو چي په کرمه اجنسي او باجوړ کي زموږ کډوال له تیرو شلو کالو را پدي خوا ژوند کړي، خانته ئي کورونه آباد کړي، له سرحدي سیمو له خلکو سره ګډ تجارت او راکړه ورکړه لري او آن د هماغو سیمو له خلکو سره ئي خپلوي او خپښئ کړي دي نو دوي نشي کولاي په دومره لږ وخت کي خپل کمپونه ترک کړي او نورو ځایو ته لاړ شي.

زموږ هیله داده چي د پاکستان او ایران مقامات د کډوالو د ایستلو او شړلو په باب د ملګرو ملتو د کډوالو د کمشنرۍ او د افغاني مقاماتو سره په تفاهم او د تیرو ژمنو له مخي پریکړي وکړي او هم باید د نړیوالو کنوانسیونونو کلک رعایت وکړي چي په دغو کنوانسیونونو کي کوربه هیواد ته دا حق نه دي ورکړي شوي چي کډوال په زور او جبر وشړل شي بلکي هغوي باید په خپله خوښه او د اوطلبانه توګه خپل هیواد ته ستانه شي

کوربه هیوادونه باید د کډوالو سیاسي محلوظات او په [illegible] نورو سلګنو ستونزو موجودیت په پام کي ونیسي.

او دي ته هم فکر وکړي چي افغان مهاجر چي د کار او تولید ډیر ستر خواک دي په تیرو کلونو کي ئي د پاکستان او ایران د سړکونو، ودانیو پلونو او کانونو په څیر په شاقه کارونو کي د خپل ارزانه کار په واسطه ستر خدمتونه کړي او اوس هم لګیا دي دغه راز کارونه کوي خو د بده مرغه باالمقابل دا د پاکستان او ایران امنیتي مقامات دي چي په دوي ئي بشري ازادي محدودي کړي او وخت په وخت ئي خوروليي او بنديخانو ته ئي تيل وهلي او يا ئي له خپلو هیوادو نه په زور او فشار سره را ایستلي دي.

دغه راز موږ د افغانستان د اسلامي جمهوریت د کډوالو چارو وزارت مسوولیت هم په دي ارتباط د یادووني وړ بولو چي باید دغه وزارت په هیواد کي د راتلونکو کډوالو د ځاي پرځاي کولو لپاره د ممکنو امکاناتو په لټه کي شي. د کډوالو لپاره د لازمو خیمو او کمپونو برابرول ، د هغوي لپاره د کورونو د خمکو ویش، د هغو لپاره د لازم کار او سرپناه په باب فکر کول او د امکاناتو برابرول او د نورو سلګونو ستونزو اوارول دا ټول د کډوالو چارو وزارت مسوولیت شمیرل کیږي چي باید د دوستو هیوادو او د ملګرو ملتو دکډوالو د عالي کمیشنري په مرسته ورته کلکه پاملرنه وکړي.

پامیر

اوضاع عمومی افغانستان ...

طوری که اسناد تاریخی نشان می دهد، فهرست تعدادی از شخصیت های مشروطه خواه در اثر سعایت برخی از جواسیس که در این جمعیت راه یافته بودند، به دست شاه رسید و عده یی اعدام و تعدادی هم راهی زندان های مخوف آن زمان گردیدند. گفته می شود که تعدادی از این اجاسوسان فهرست مشروطه خواهان را به شاه تسلیم کردند، تا جلو نشر معارف و فرهنگ جدید را بگیرند و انگلیس را راضی نگهدارند. به حوالهٔ تاریخ غبار، ملا محمد سرور خان معلم لیسهٔ حبیبیه پسر مولوی احمد جان خان الکوزی در نزدیک توپ و هنگام اعدام شدن وصیت نامه یی در نهایت آرامی نوشت که در عنوان آن این بیت مرقوم بود:

ترک مال و ترک جان و ترک سر
در ره مشروطه اول منزل است

گرچه امیر حبیب الله خان جریان مشروطیت را از میان برداشت، تعدادی اعدام و متباقی به حبس های متفاوت زندانی گردیدند، اما این فعالیت ها در حلقات کوچک روشنفکری زنده نگه داشته شد. درمیان جنبش مشروطیت که در آغاز حیات سیاسی خویش به نام جان نثاران ملت یاد می گردید، نقش امان الله خان درمیان این حلقات تحول طلب خیلی برجسته است. نقش محمود طرزی بنیانگذار مطبوعات و جنبش روشنفکری در افغانستان در این جریان مهم و مرکزی بوده است.

وقتی امان الله بعد از مرگ پدر قدرت را در کابل به دست گرفت کشور آبستن تحولات سیاسی بود. روشنفکران، تجار ملی، روحانیان و آحاد مختلف جامعه، آمادهٔ استرداد استقلال در کشور بودند. در این زمان سه گروه، به خاطر حصول استقلال دقیقه شماری می کردند:

الف: تجار ملی که در صورت حصول استقلال حوزهٔ فعالیت اقتصادی آن ها از هند برتانوی فراتر می رفت.

ب: روحانیان که تسلط بی دینان را در کشور نمی خواستند و استقلال و آزادی را از واجبات دینی به شمار می آوردند.

ج: روشنفکران خسته و دردمند که جریان مشروطیت را رهبری می کردند و استقلال افغانستان در سر لوحهٔ کار آنها قرار داشت.

از یک طرف این جو مناسب امان الله خان را بدان واداشت تا در جهت حصول استقلال کشور کمر ببندد و مردم همه اقشار جامعه را در این راستا بسیج نماید، از جانب دیگر تغییرات به وجود آمده در سرحدات افغانستان و منطقه، امیر را تشویق به حصول استقلال کشور می ساخت. این تغییرات به وجود آمده در داخل و خارج کشور بر روحیهٔ استقلال طلبی امیر و جریان پیشرو جامعه تأثیر گذاشت و این همه زمینه هایی بود که مقارن استقلال کشور، در این جغرافیای سیاسی وجود داشته و بستر خوبی بوده است برای آزادی و استقلال افغانستان.

راه های همکاری فرهنگی میان جوانان مسلمان ...

۱- پروفیسر نجم الدین اربکان

حرف های آقای اربکان بیشتر بر محور اهمیت جوانان در جهان اسلام، دسایس و توطئه های صهیونیزم می چرخید. وی گفت: دو موضوع را باید درک کرد: تشخیص درد و علاج آن، در غیر آن ما به حل مشکل نایل نخواهیم شد. واقعیت این است که این همه مشکلات در جهان اسلام علت و انگیزهٔ دینی و عقیدتی دارد و اگر بگوییم که این جنگ پترول است گویا کودکی را با دادن چاکلیت فریب می دهیم. مبانی عقیدتی صهیونیزم مبتنی بر این است که بنی اسرائیل نسل ممتاز و برگزیده است و دیگران برده و حقیر. و از همین رو باید معبد سلیمان را در مسجد اقصی برپا داشت و حدود جغرافیایی اسرائیل را تا فرات توسعه بخشید.

جهان مسیحیت با تأثیر پذیری از سیاست و اقتصاد کپیتالیزم که بنیاد گذار آن خود صهیونیزم است به عنوان وسیله یی برای عملی ساختن برنامه های صهیونیستی گام برداشته است و بر همین مبنا امروز بر عراق و افغانستان یورش برده می شود و فردا ایران و سوریه مورد هجوم قرار خواهد گرفت.

وی همچنان گفت: شما جوانان ممثلان سرزمین های تان هستند و حضور شما در این سرزمین نشانهٔ آن است که مسلمانان یک امتند و باید مرزها برداشته شود و روابط برادری استحکام یابد و ما همه چون قلبی واحد بر اساس همکاری و برادری زندگی نماییم.

۲- دکتر محمد مصطفی محمود طحان

حمله و هجوم امروزی غرب بر سرزمین های اسلامی زادهٔ امروز نیست بلکه امتدادی است از حملات و جنگ های صلیبی بر جهان اسلام. بعد از سقوط روس ها در آخرین تحلیل غربی ها به این نتیجه رسیدند که اسلام به حیث یک قدرت در حال تبارز است و نفوس مسلمانان به بیشتر از یک میلیارد می رسد و باید در صدد جلوگیری و ریشه کن کردن آن شد.

۱۱ سپتامبر یک رخداد ساختگی یی بیش نبود و فیلمی به نام "القبله الطویله فی منتصف اللیل" بوسهٔ طولانی در نیمهٔ شب سال ۱۹۹۰ ساختهٔ هالیود بیانگر آن است که استخبارات آمریکا تصمیم انهدام برج های جهانی را به خاطر متهم نمودن مسلمانان به افراط گرایی اتخاذ کرده بود.

همچنان دکتر طحان در پیرامون تربیت جوانان گفت: که در اهداف تربیتی بایستی عناصر تربیت فراهم گردد این عناصر عبارتند از: شخص مربی، تربیت شونده و مبانی تربیت و تحدید مفاهیم آن، بدین وسیله تربیت فرد، خانواده و جامعه تحقق می یابد.

نگارنده ضمن مداخله یی در بحث تربیت عدم واضح بودن مفاهیم را درمیان گروه های اسلامی عامل تضاد موضع گیری ها در رابطه به قضایای اسلامی دانستم و پیشنهاد کردم که برای حل این معضل باید یک نصاب تربیتی درمیان تمامی گروه های اسلامی معیار قرار داده شود.

دکتر طحان همچنان به برخی از چالش ها و پدیده های جدید اشاره کرد و بر لزوم استفاده از فرصت ها تأکید ورزید و این چالش ها را چنین بر شمرد:

جهانی شدن: این یک پدیدهٔ استعماری است ولی باید از آن استفاده کرد.

دموکراسی: یک چلنیج قوی است و برخی آن را نا روا می دانند ولی ما از آن سود خواهیم برد.

قضیهٔ زن: یکی دیگر از چالش هایی است که به آن مواجه هستیم ولی باید در این مورد نباید از لابلای کتاب ها بلکه با برداشتن گام های عملی در این زمینه اقدام صورت گیرد.

تمدن غرب: ما آن را به کلی مردود نمی شماریم بلکه از مزایای آن بهره می گیریم.

دسته بندی های منطقه یی: از چالش های بزرگی است که زادهٔ استعمار است و ما مسلمانان نباید با پرداختن به آن به جاهلیت روی آوریم چون این کار باعث تفرقه و پراگندگی ما می گردد.



جمعی از شرکت کنندگان در این همایش

۳- مصطفی یلمان

آقای یلمان معاون حزب سعادت و رئیس عمومی کمیتهٔ جوانان با تأکید، بر داشتن یک برنامهٔ سازمانی در سطح جهان اسلام، به ویژه در میان جوانان مسلمان گفت که اسلام دینی است، ضامن تحقق اهداف انسانی. اما متأسفانه این ویژگی را در اندیشهٔ غربی نمی توان سراغ کرد، چون تیوری غرب مبتنی بر استعمار و استثمار ملت هاست و هیچ گونه سازشی با انسانیت ندارد. او همچنان عوامل بدبختی مسلمانان را ناشی از یک سلسله عوامل داخلی و خارجی دانست و آن را این گونه بر شمارید:

عوامل داخلی

- عدم اخوت و برادری و نداشتن یک برنامهٔ همآهنگ.
- ضعف اقتصادی در جهان اسلام.
- عدم تعاون وهمکاری در قضایای مهم.

عوامل خارجی

- برنامهٔ رویا روی غرب با اسلام.
- برنامه ریزی کودتاها و عدم ثبات در کشورهای اسلامی.
- تشکیل یک حکومت جهانی از جانب آمریکا و اسرائیل.

۴- محی الدین یلدریم:

آقای یلدریم مسؤول تعلیم و تربیهٔ حزب سعادت روی اصول اساسی یک سازمان تأکید نمود و آن اصول را عبارت دانست از:

۱- هدف
۲- ساختار تنظیمی
۳- برنامه و تنفیذ
۴- تدویر جلسات
۵- داشتن کادر
۶- داشتن تعداد کافی افراد

نگارنده به نمایندگی از جوانان مسلمان افغانستان علاوه از تعلیقات و تبصره ها و ابارز نظر روی قضایای مطرح شده تحت دوعنوان "هجوم فرهنگی غرب و جوانان افغانستان" و "تاریخچهٔ نهضت اسلامی افغانستان از تأسیس تا حال" سخنرانی کرد که عنوان دومی برای بسیارزی از اشتراک کنندگان جالب و تازگی داشت.

در این همایش کمیته هایی جهت نظارت بر کمیسیون هایی که روی مسایل تربیت، وسایل ارتباط جمعی، چلینج ها و چالش ها تشکیل گردیده بود نیز مشخص شد. همچنان این کمیته ها در راستای بررسی و جمع بندی کنفرانس و تهیه و تدوین قطعنامهٔ نهایی موظف گردید که در نتیجه، این همایش با صدور یک قطعنامهٔ ۳۰ ماده یی به تاریخ ۲۱ اسد سال روان پایان یافت.

لازم به یاد آوری است که کشورما افغانستان در لیست کشورهایی قرار گرفت که می بایست از اولویت های همکاری فرهنگی برخوردار باشند.

از سوی NDI سمیناری جهت بررسی اصول رفتار احزاب ...

آقای دانش افزود که دولت و مسؤولان دولتی هیچ کدام حق ندارند در کار انتخابات مداخلت کنند، دولت تنها همکاری می کند و زمینه را فراهم می سازد.

سپس آقای دکتر مهدی به نمایندگی از آقای قانونی سخن گفت، او بیان کرد که ما از ابتدا پیشنهاد کردیم که کمیسیون برگزاری انتخابات از سوی احزاب و نهادهای جامعهٔ مدنی ساخته شود ولی کمیسیون یک طرفه از سوی دولت ساخته شد.

اکنون تأکید می کنیم که شمارش آراء در محل های برگزاری انتخابات صورت بپذیرد و دلائلی که در بارهٔ منع آن از سوی آقای بسمل ابراز شد، موجه و قابل قبول نیست. دولت خود تهدیدی برای شفافیت انتخابات است.

آقای جاوید کوهستانی رهبر حزب متحد برای دموکراسی از وجود تهدید هایی بر ضد شماری از کاندیداها نام برد وشکایت کرد که شماری از کاندیدا به دلیل این که در جهاد و مقاومت شرکت نداشته اند مورد بی مهری قرار می گیرند و بی اهلیت خوانده می شوند.

آقای نور الحق علومی رهبر حزب متحد ملی نیز سخنرانی کرد، او گفت که نه دولت ونه جامعهٔ جهانی هیچ کدام نمی توانند امنیت انتخابات را تأمین کنند، بسیاری از والیان امنیت انتخابات را خود شان مختل می سازند، اگر دولت نمی تواند این والیان را بر کنار کند لااقل آنان را برای دو ماه در سکالرشیپ هایی به اروپا و آمریکا بفرستد تا انتخابات به پایان برسد سپس آنان بیاند.

آقای محقق رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان ضمن ایراد سخنانی گفت که دولت سعی کرده است به هر شکلی می شده است تعدادی از طرفداران خودش را وارد پارلمان کند. دولت ده کرسی را به کوچیان اختصاص داده است در حالی که کوچیان حتماً در یکی از ولایات باشنده هستند و نیز دولت سهم ولایاتی را که در انتخابات ریاست جمهوری به آقای کرزی رأی نداده بودند کم کرد و به ولایاتی داد که به وی رأی دادند. دولت پیش از ۲۴۹ نمایندهٔ ولسی جرگه لااقل بیش از ۲۰ نفر آن را به خود اختصاص داده است، ازهمین اکنون می دانیم سرنوشت انتخابات چگونه خواهد شد.

آقای انوار الحق احدی وزیر مالیه و رهبر حزب افغان ملت هم سخنانی گفت و در بارهٔ روند دموکراسی حاضر اظهار خوش بینی کرد و گفت با وجود مشکلاتی که وجود دارد در جهت دموکراسی کارهایی انجام شده است. شماری از اشتراک کنندگان از جمله آقای توانا از حزب پیوند ملی و نمایندهٔ بلخ در لویه جرگهٔ قانون اساسی اعتراضی شدید را در بارهٔ تهیه چهل میلیون ورق رأی دهی اقامت کردند و گفتند : با در نظر داشتن همه موارد احتیاط باید تعداد اوراق رأی دهی از بیست و چند میلیون تجاوز نمی کرد چون تعداد رأی دهندگان به بیشتر از ده میلیون نفر می رسد. اکنون این مسأله مطرح است که چگونه می شود از سوء استفاده از این اوراق جلوگیری صورت بگیرد.

آقای مراد یک عضو کمیسیون برگزاری

انتخابات در پاسخ به این اعتراضات چیز هایی از قبیل وجود ۶۰۰۰ مرکز رأی دهی و ۲۶۰۰۰ محل رأی دهی بیان کرد که بیشتر به مسائل دیگر می پرداخت تا به پاسخ به این مشکل و در واقع این مشکل اعتراض کنندگان پاسخ ناگفته ماند.

این سمینار همچنان ادامه یافت و در دور دوم چندین تن از کاندیداهای مستقل در جایگاه هیئت رئیسه حضور یافتند و مطالبی را در بارهٔ برگزاری انتخابات و شیوهٔ رفتار و باید ها و نباید های لازم برای کاندیداها و احزاب و دولت ابراز کردند.

آنچه دراین نشست بسیار قابل توجه بود و بسیار مورد اعتراض هم واقع شد برجسته کردن شماری از احزاب و نادیده گرفتن احزابی دیگر بود. و هیچ گونه دلیلی هم برای این کار ظاهراً دیده نمی شد، برخی از این حزب هایی که به هیئت رئیسه راه یافته بودند شاید به مشکل بتوانند اعضایشان را به تعداد انگشتان دو دست برسانند در حالی که بسیاری از احزاب فراگیر بزرگ از توجه به دور مانده بودند که احتمالاً این کار به اعتبار مؤسسات برگزار کنندهٔ همچون همایش ها لطمه وارد می کند.

هفته نامۂ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم　سال چهارم　شمارۂ ۲۱　چهارشنبه ۲۶ اسد ۱۳۸۴　۱۲ رجب المرجب ۱۴۲۶ - 17 August 2005

گفتند وشنیدیم!

ابوبکر سبزوار

۲۸ اسد یعنی چه؟

هر کشوری از خود روز های تاریخی دارد که همه ساله از آن تجلیل به عمل می آورد. در کشور ما نیز از سالروز هایی تجلیل صورت می گیرد اماتجلیل از ۲۸ اسد به عنوان روز استقلال همچنان سؤال برانگیز باقی مانده است؛ زیرا:

اعلان استقلال افغانستان در ۲۸ فبروری ۱۹۱۹ صورت گرفت که مصادف با ماه حوت است.

جنگ استقلال افغانستان از ماه می تا جون ۱۹۱۹ ادامه یافت که مصادف به ماههای ثور و جوزا می باشد.

اعلان متارکه در سوم جون ۱۹۱۹ صورت گرفت که مصادف به ماه جوزاست.

قرار داد صلح راولپندی در ۸ اگست ۱۹۱۹ عقد گردید که مصادف به ماه سنبله می باشد.

معاهدۂ میسوری در ۳۰ عقرب ۱۳۰۰ شمسی به امضای محمود طرزی و سرهنری دابس رسید.

سؤال این است که ۲۸ اسد مصادف به کدام روز است که همه ساله به عنوان روز استقلال باید تجلیل گردد؟ تاریخ کشور ما در این روز هیچ واقعۂ مهمی را که به استقلال رابطه بگیرد ثبت نکرده است. یکی از دوستان به شوخی می گفت که اصلا این روز جشن خربوزه خوری است و رابطه یی به استقلال ندارد! آیا واقعا چنین است؟ به امید این که صاحب نظران در این مورد ما را یاری رسانند.

مبارزه با ارتشا و فساد

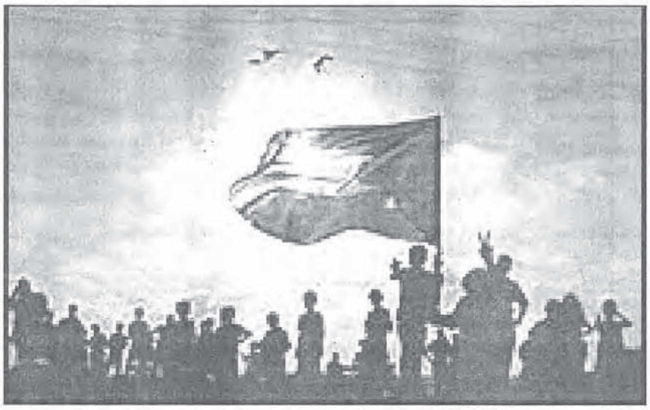
سخنان آقای ذبیح الله عصمتی در مصاحبه با تلویزیون طلوع در مورد ابعاد اختلاس و فساد اداری در کشور نشان از مصیبتی گسترده تر از سایر مصایب دارد. وی خاطرنشان ساخت که از میلیارد ها دلار کمک جامعۂ بین المللی بخش بزرگ آن حیف و میل گردیده است.

سخن عجیب این که یکی از وزرای محترم کابینه با سه تن از همکاران خویش برای سفر به یکی از ولایات، طیاره یی را به مبلغ بیست و چهار هزار دلار چارتر کرده اند و موتر های جناب وزیر و همراهان از راه زمین پیشتر به ولایت متذکره فرستاده شده بود تا هنگام رسیدن به ولایت، جناب شان مجبور به استفاده از موتر های پایین تر از شأن وزرای کابینۂ متخصص نباشند! وی همچنان از دهها مشاور با معاشات دلاری در دم و دستگاه بعضی از وزارت خانه ها سخن گفت.

به نظر می رسد که آقای عصمتی قبل بر این در این مورد مقامات بالا تر را در جریان قرار داده اند اما چون اقدامی در جهت جلوگیری از این وضع صورت نگرفته، ناچار به مردم روی آوردند تا با افشای اسراری که چندان ناگفته هم نیست، از خود رفع مسؤولیت نمایند.

در کشور های دیگر در موارد مشابه وقتی مسؤولی خود را ناتوان از جلوگیری از چنین بیراهه روی ها ببیند و دولت نیز بی تفاوتی پیشه کند، به عنوان اعتراض استعفا می دهد. سخنان آقای عصمتی نیز نمایانگر مأیوسی وی از وضع بود اما

خروج اسرائیل از نوار غزه



فلسطینیان خروج اسرائیل از نوار غزه را جشن می گیرند

سر انجام در پی مقاومت و مبارزۂ دوامدار مبارزان فلسطینی، اسرائیل بعد از ۳۴ سال اشغال از نوار غزه عقب نشینی کرد.

فلسطینیان عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه را با راه اندازی راهپیمایی ها و ایراد سخنرانی ها، جشن گرفتند و محمود عباس رهبر ادارۂ خود گردان فلسطین اقدام حکومت اسرائیل را گامی در راه تأمین ثبات و صلح در منطقه توصیف کرد. طرفداران سازمان حماس طی اجتماعی در مسجد بزرگ نوار غزه نماز شکرانه به جای آوردند و خروج قوای اسرائیل را نتیجۂ عملیات مسلحانۂ خویش علیه آنها خواندند. آنان تعهد سپردند تا به دست آوردن کامل خاک کشور شان و بیرون راندن نیروهای اشغالگر به مبارزات خویش ادامه خواهند داد.

قرار است تخلیۂ اختیاری شهرک یهودی نشین تا روز چهار شنبه ۲۶ اسد تکمیل گردد، در غیرآن یهودیان شهرک نشین نوار غزه جبراً اخراج خواهند شد.

ادارۂ خود گردان و فلسطنیان انتظار دارند حکومت مستقل خویش را در نوار غزه و گردنۂ رود اردن تشکیل دهند و بخش بیت المقدس شرقی را پایتخت این کشور اعلام کنند. باریکۂ غزه و گردنۂ باختری رود اردن، از جمله بخش شرقی بیت المقدس در جریان جنگ، تنش زای عرب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به اشغال نیروهای اسرائیلی در آمد.

به نظر تحلیلگران تخلیۂ غزه فرصت های خوبی را برای هردو طرف قضیه فراهم نموده است. اسرائیل با تخلیۂ نوار غزه از سیاست سابق خود فاصله گرفته و این اولین بار است که قسمتی از سرزمین فلسطینیان را به صاحبان اصلی آن واگذار می نماید. این رخداد برای فلسطینیان فرصتی است که ثابت کنند، آنها توانایی ادارۂ یک کشور مستقل را دارند.

طالبان، یک مهندس لبنانی را ...

مخالفان دولت ربوده می شوند.

طبق یک خبر دیگر سخنگوی وزارت دفاع افغانستان اعلام کرده است که در تازه ترین درگیری نیروهای دولتی با طالبان در جنوب کشور، بیست و یک تن از طالبان کشته شده اند.

وزارت دفاع افغانستان در بیانیه یی گفته است که شانزده تن از این افراد در ولایت زابل و پنج تن دیگر در ولایت ارزگان به قتل رسیده اند.

گفته می شود که در میان کشته شدگان یک عضو مهم گروه طالبان به نام ملا نصیر الله نیز دیده شده است. همزمان در شرق کشور نیز، عملیاتی با شرکت نیروهای ائتلاف بین المللی ضدتروریسم به رهبری آمریکا و سربازان افغانستانی در جریان است.

هدف از انجام این عملیات که در دره کرنگل ولایت کنر جریان دارد، تعقیب شورشیانی عنوان شده است که گمان می رود در مناطق غربی کنر پنهان شده باشند.

یک سخنگوی نیروهای تحت فرمان آمریکا در افغانستان گفته است که مدت اجرای این عملیات ممکن است طولانی تر باشد و تا زمانی که نیروهای دشمن به عقب رانده نشده اند، نبرد سربازان ائتلاف، ارتش و پلیس ملی افغانستان علیه آنها

از نامه های آمده

استاد! شما صادقانه جهاد کرده اید

جوانی عنوانی استاد به مجاهد نامه یی فرستاده است ما نامۂ وی را در این جا می آوریم

جناب استاد ربانی از راه دور دست تان را به گرمی می فشارم، امیدوارم دارای صحت کامل باشید.

خیلی ها مختصر می نویسم؛ زیرا میدانم که شما به شدت مشغول هستید.

اکمل هستم جوان ۲۲ ساله از کابل.

استاد، شاید با خواندن این نامه تعجب کنید، زیرا نامه رادر حالی می خوانید که هیچ شناخت قبلی در میان من و شما نیست. و آنچه موجب شد تا برای تان نامه بنویسم همانا عشق و علاقه یی است که نسبت به شخصیت عالی شما دارم. اجازه بدهید اعتراف کنم که هنوز هم خاطرات سیاسی، دفتر ها و نوشته های دوران جهاد که مقاومت و حماسه در آن موج می زند، برایم دلگرم کننده، آگاهی بخش و امید افزا به شمار می آید، سال هاست کتاب های دوران جهاد که در بسیاری از آنها تصاویر شما به چشم می خورد در زمرۂ کتاب هایم که برای خواندن بر می گزینم جا دارد.

استاد، درست همین دیروز فهرست صد نفری را کامل ساختم که من برای شان گفته ام تا آنها نیز مثل من دقیقاً به کارنامه هایی شما توجه کنند و بدانند که شما یکی از شخصیت های هستید که صادقانه جهاد کرده اید. من شما را درک می کنم و همیشه دعا های خیرم با شما ست. اگر بتوانم برای هدف تان کاری انجام دهم لطفا برایم بگویید صمیمانه در اختیار خواهم بود.

استاد، آیا میزان افتخار و دلگرمی ام را از این نامه که دارم برای تان می فرستم حدس زده می توانید؟

بسیار بی همت، خود خواه و بی احساس خواهم بود اگر بی تفاوت بوده و هیچ کاری برای قدردانی از شما انجام ندهم.

استاد، بار بار برای تان نامه خواهم نوشت، تلفن خواهم کرد.. اما فعلاً خوشبختی امید و محبت برای تان تمنا می کنم.

پدرود

اکمل _ akmal@yahoo.com

سقوط یک هلی کوپتر ناتو در هرات هفده تن را هلاک کرد

سقوط یک فروند هلی کوپتر نیروهای ناتو در هرات هفده کشته برجای گذاشت

گفته شده است که تمامی قربانیان این هلی کوپتر، شهروندان کشور اسپانیا بوده اند.

در این حادثه که در ده کیلومتری جنوب شهر هرات روی داد پنج تن دیگر ناپدید شده اند. در مور علت سقوط این طیاره تا هنوز چیزی گفته